

بنفش اقتصاد
را در دست بگیرید

گزارش چارسوق درباره ۴۰ ایراد فاحش
طرح بنزینی سقاب و دوستانش

طرح خطرناک یک باند افراطی اصلاح طلب
به لیدری سقاب اصفهانی برای گران کردن
بنزین فعلاً کنار گذاشته شده است

ایست به فتنه بنزین

تبغات تورمی طرح سقاب

افزایش مستقیم و غیرمستقیم هزینه حمل و نقل

اثر زنجیره‌ای بر تورم

فشار بیشتر بر قدرت خرید خانوار

ریسک شکل‌گیری بازار غیررسمی سهمیه

تشدید نارضایتی اجتماعی

احتمال تبدیل مسئله اقتصادی به اعتراض اجتماعی

خوش گذرانی با دلار ۲۲۰ هزار تومانی

انتشار تصاویر حضور همسر عراقی، دختر پزشک‌یان و سخنگوی دولت در یک مراسم مجلل، با انتقادات زیاد مردم مواجه شده است.

علی خضریان، نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با روزنامه چارسوق:

مسئله بنزین راه حل دارد؛
با شوک و تغییر مداوم
قواعد، مسئله را بزرگ‌تر
نکنیم

علی خضریان، نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه راهکار مسئله بنزین باید متناسب با اندازه واقعی آن باشد، افزود: نباید برای یک کسری محدود و قابل مدیریت، سراغ سیاست‌هایی رفت که هزینه و تبعات آنها از خود مسئله بزرگ‌تر است. در این حوزه باید از شوک درمانی و بن بست‌نمایی پرهیز کرد؛ مسئله بنزین قابل حل است و ابزارهای لازم برای مدیریت آن وجود دارد.

عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس با انتقاد از طرح تخصیص بنزین به کد ملی اشخاص گفت: این طرح می‌تواند روی دیگر سکه شوک درمانی باشد. خانواری که نسبت به مصرف فعلی خود با کمبود سهمیه مواجه شود، ناچار است بنزین را از بازار خرید و فروش سهمیه تهیه کند و در این شرایط قیمت توافقی می‌تواند به شدت افزایش یابد. اگر قرار است اصلاح قیمتی انجام شود، باید شفاف، تدریجی و متناسب با میزان مصرف باشد.

واقعیت این است که ابتدا باید همه تصمیم‌گیران در دولت بدانند که مردم مقصر ایجاد این شرایط ناترازی بنزین نیستند و افزایش قیمت بنزین نباید تنها راهکاری باشد که دولت به آن متوسل شود.

سیاه‌نمایی همتی
دلار را ۳۳ هزار تومان گران کرد

با وجود شرایط جنگی کشور، بازار ارز روند ملایمی را طی می‌کرد اما از ۲۸ مردادماه که عبدالناصر همتی در برنامه تلویزیونی مدعی شد صادرات نفت کشور صفر شده و درآمد ارزی نداریم، سیگنال

ادعای همتی درباره صفر شدن صادرات نفت

۱۸۸۸۶۰۰۰ ریال

۲۲۱۰۶۰۰۰ ریال

قیمت دلار



تحریک تقاضا و ائتلاف منابع ارزی با دلار سهمیه‌ای

سفره پهن بانک مرکزی برای دلالان

گزارش

بررسی میدانی از میدان فردوسی تهران که محل تمرکز اصلی دلالان و صرافی‌های پایتخت است، نشان می‌دهد فاصله میان نرخ دلار سهمیه‌ای و بازار غیررسمی همچنان امکان سوداگری را برای دلالان و به اسم مردم، فراهم کرده است، حال سؤال اینجاست با توجه به محدودیت‌های ارزی کشور، چرا بازرگاری در تخصیص ارز سهمیه‌ای در راستای حفظ ذخایر ارزی صورت نمی‌گیرد؟

به گزارش اقتصاد معاصر، این روزها کمی پایین‌تر از میدان فردوسی تهران، صف خرید ارز پشت درب‌های صرافی ملی و صرافی‌های بانکی که از ساعت حدود ۶ صبح تشکیل شده است، توجه ره‌رگدیزی را جلب می‌کند.

طبق مصوبه‌ای که دولت دارد، در ازای هر کارت ملی، سالانه ۱۰۰۰ یورو یا ۱۱۰۰ دلار ارز سهمیه‌ای به متقاضی می‌دهد؛ در حالی

که مصارف این ارز سهمیه‌ای مشخص نیست و صرفاً مشوقی برای افرادی است که اندکی نقدینگی در دست دارند و به‌جای

استفاده از تولید یا خرید کالا و فعال کردن بازار، به سمت خرید

این ارز و ذخیره کردن آن روی می‌آورند که به آن دلار متکایی یا دلار خانگی می‌گویند.

ارزی که پس از فروش به سرنوشت انجماد دارایی دچار و از چرخه اقتصاد و تولید خارج می‌شود.

گران‌فروشی خودروهای چینی در ایران

بررسی قیمت پنج خودروی چینی در بازار ایران و امارات نشان می‌دهد برخی از این خودروها در کنار فاصله زیاد قیمت کارخانه‌ای آن در ایران و چین، در بازار داخلی هم تا ۵۰ درصد گران‌تر از امارات معامله می‌شود و این تفاوت به بیش از ۱۳ هزار دلار هم رسیده است که این نقش مقابله با محدودیت عرضه، هزینه‌های زنجیره تأمین، نفلارت دقیق تر بر نرخ گذاری مونتاژکاران و ساختار متفاوت بازار خودرو در دو کشور را پررنگ می‌کند.

حضور گسترده خودروهای چینی در بازار ایران طی سال‌های اخیر باعث شده بخش مهمی از تقاضای خودروهای نیمه‌لوکس، کراس‌اوور و شاسی‌بلند به محصولات برندهایی مانند چری، اومودا و دانگ‌فنگ منتقل شود. محدودیت حضور خودروسازان مطرح جهانی در بازار ایران، کاهش تنوع محصولات وارداتی و رشد فعالیت شرکت‌های مونتاژی نیز به افزایش سهم برندهای چینی در بازار داخلی کمک کرده است؛ تا جایی که امروز بسیاری از خودروهای چینی، بخش قابل توجهی از سبد انتخاب خریداران ایرانی در بازارهای قیمتی متوسط و بالا را تشکیل می‌دهند.

فارغ از فاصله زیاد قیمت کارخانه‌ای این خودروها در ایران و چین که ناشی از سودجویی مونتاژکار داخلی است، مقایسه قیمت همین خودروها در بازار ایران و بازارهای منطقه، به‌ویژه امارات متحده عربی، تصویر متفاوتی از ارزش دلاری آنها نشان می‌دهد. برخی محصولاتی که در ایران با قیمتهای بیش از ۳۰ تا ۴۰ هزار دلار در بازار آزاد معامله می‌شوند، در امارات با ارزشی به مراتب پایین‌تر در دسترس خریداران قرار دارند. این اختلاف قیمت،

حتی با نظر گرفتن دلار غیررسمی ۱۱۰ هزار تومان، این پرسش را مطرح می‌کند که چرا خودروهای با منشأ و برند مشابه، در دو بازار منطقه با چنین فاصله‌ای به دست مصرف‌کننده می‌رسند و چه عواملی از ساختار عرضه، هزینه‌های واردات و مونتاژ تا محدودیت رقابت و شرایط بازار داخلی در شکل‌گیری این شکاف نقش دارند؟ بررسی قیمت‌ها نشان می‌دهد آریزو ۸ صفر در بازار ایران حدود ۶ میلیارد و ۹۱۰ میلیون تومان قیمت دارد که معادل حدود ۲۲ هزار و ۹۰۵ دلار است. در مقابل، قیمت مدل ۲۰۲۴ این خودرو در بازار امارات حدود ۲۴ هزار و ۵۰۶ دلار ثبت شده است. براین اساس، فاصله قیمت آریزو ۸ در دو بازار به حدود ۸ هزار و ۳۹۹ دلار می‌رسد و قیمت آن در ایران حدود ۲۴ درصد بالاتر است. تیگو ۷ پرو مکس نیز در بازار ایران حدود ۶ میلیارد و ۲۲۰ میلیون تومان، معادل ۲۹ هزار و ۶۱۹ دلار قیمت دارد. در حالی که قیمت مدل ۲۰۲۴ این خودرو در امارات حدود ۲۲ هزار و ۴۴۴ دلار است. به این ترتیب، اختلاف قیمت این خودرو در دو بازار به حدود ۷ هزار و ۱۵۵ دلار می‌رسد و نمونه موجود در بازار ایران حدود ۳۱ درصد گران‌تر است.

بیشترین شکاف قیمتی در میان خودروهای بررسی شده به تیگو ۷ پرو مکس مربوط می‌شود. قیمت این خودرو در ایران حدود ۸ میلیارد و ۵۵۰ میلیون تومان و معادل ۴۰ هزار و ۷۱۴ دلار است، در حالی که قیمت مدل ۲۰۲۴ آن در امارات حدود ۲۸ هزار

شفاف نیست که به چه دلیل در شرایطی که کشور با محدودیت منابع ارزی روبه‌روست و با کاهش صادرات و درآمدهای نفتی، مواجه هستیم بخشی از ارز موجود بانک مرکزی همچنان با سازگاری توزیع می‌شود که مصارف نامشخص دارد و فاصله نرخ رسمی و غیررسمی آن عملاً امکان کسب سود بدون فعالیت اقتصادی را برای دلالان و سودجویان فراهم کرده است.

بررسی میدانی از بازار ارز میدان فردوسی تهران در روز چهارشنبه ۱۱ شهریور نشان می‌دهد دلار سهمیه‌ای با قیمت حدود ۳۱۲ هزار تومان در اختیار متقاضی قرار می‌گیرد و حدود ۳ میلیون تومان هم کارمزد اخذ می‌شود با این حال همچنان انتظار در صف ارز سهمیه‌ای برای عده‌ای جذابیت دارد چون در میدان فردوسی، دلالان همان دلار را به قیمت ۲۱۶ هزار تومان از مردم خریداری و به قیمت ۲۱۸ هزار تومان به متقاضی بعدی می‌فروشند. یعنی کسی که به ارز سهمیه‌ای دسترسی پیدا کرده، می‌تواند بدون واردات کالا، بدون تولید، بدون صادرات و حتی بدون پذیرش ریسک جدی، صرفاً با انتقال دلار از شبکه رسمی به بازار غیررسمی از هر هزار دلار چند میلیون تومان سود کسب کند. دلال نیز همان ارز را با نرخ بالاتر به بازار واسطه‌گری وارد می‌کند و حدود دو میلیون تومان هم از این محل سود می‌کند، چرخه‌ای باطل که صرفاً به افزایش روزانه بهای ارز منجر شده است و در یک معامله هزار دلاری، فاصله میان نرخ رسمی و نرخ نیک بازار در یک روز، به حدود شش میلیون تومان می‌رسد.



۳۸۷ و دلار برآورد می‌شود؛ بنابراین اختلاف قیمت دو بازار از ۱۲ هزار و ۳۲۷ دلار عبور کرده و قیمت این خودرو در ایران حدود ۴۳ درصد بالاتر است. فونیکس ۲۸ نیز در بازار ایران حدود ۵ میلیارد و ۸۵۰ میلیون تومان یا نزدیک به ۲۷ هزار و ۸۵۷ دلار قیمت دارد. این خودرو در بازارهای خارجی در خانواده اومودا ۵۰ عرضه می‌شود که قیمت مدل ۲۰۲۴ آن در امارات حدود ۲۰ هزار و ۷۱۳ دلار است. درنتیجه، اختلاف قیمت دو بازار برای این خودرو به بیش از ۷ هزار و ۱۴۴ دلار یا نزدیک به ۳۴ درصد می‌رسد.

لااماری ایما، اما تصویر متفاوتی از چهار خودرو دیگر ارائه می‌دهد. یکی از مهم‌ترین تفاوت‌ها میان دو بازار به ساختار تجارت خودرو در امارات بازمی‌گردد. حقوق گمرکی خودروهای وارداتی در این کشور به‌طور معمول ۵ درصد ارزش خودرو است و مالیات بر ارزش افزوده نیز تا نرخ ۵ درصد دریافت می‌شود. چنین ساختاری باعث می‌شود هزینه‌رود خودرو به بازار مشخص‌تر و محدودتر باشد و واردکنندگان بتوانند در فضای رقابتی تر محصولات خود را عرضه کنند. عامل مهم دیگر، شدت رقابت در بازار امارات است. خودروسازان چینی در این کشور علاوه بر رقابت با برندهای ژاپنی، کره‌ای، اروپایی و آمریکایی، با شمار زیادی از خودروسازان چینی دیگر نیز روبه‌رو به‌

حدود دو هزار دلار می‌رسد.

هستند. برندهایی مانند چری، اومودا، جتور، جیلی، BYD، کک و

چانگان برای افزایش سهم خود بازار امارات ناچارند از ابزارهایی

مانند قیمت‌گذاری رقابتی، تخفیف، گارانتی و خدمات پس از

فروش گسترده استفاده کنند.

اما ساختار بازار ایران متفاوت است. بخش مهمی از خودروهای

چینی موجود در کشور به صورت مونتاژی عرضه می‌شوند و تولید

آنها همچنان به واردات قطعات منفصل وابسته است. هزینه تأمین

ارز، حمل‌ونقل، ترخیص، حقوق ورودی قطعات، تأمین مالی و

سایر هزینه‌های مرتبط با زنجیره تولید در نهایت در قیمت خودرو

منعکس می‌شود ضمن آنکه هیچ نظارتی بر نرخ گذاری خودروهای

مونتاژی در داخل وجود ندارد و به همین دلیل مونتاژکاران داخل

از این مسئله سوءاستفاده کرده و باوجود داخلی سازی، نرخ‌هایی

گاهی تا دو برابر نرخ‌های کارخانه سازنده در چین، اعلام می‌کنند.

محدودیت عرضه نیز عامل دیگری است که می‌تواند شکاف قیمت

را افزایش دهد. در بازار که تعداد عرضه‌کنندگان محدودتر است

واردات خودرو با محدودیت‌های ارزی و مقرراتی روبه‌روست، فشار

رقابتی برای کاهش قیمت نیز به اندازه بازارهایی مانند امارات وجود

ندارد. در کنار این موضوع، فاصله میان قیمت کارخانه و بازار آزاد نیز

بخشی از هزینه‌ای است که مصرف‌کننده ایرانی پرداخت می‌کند.

برای نمونه، قیمت شرکتی تیگو ۷ پرو مکس پایین‌تر از قیمت

حدود ۶ میلیارد تومانی آن در بازار آزاد است و در باره تیگو ۸ پرو

مکس نیز فاصله قابل توجهی میان نرخ کارخانه و بازار مشاهده

می‌شود. درنتیجه بخشی از اختلاف قیمت ایران و امارات نه‌در

مرحله تولید یا واردات، بلکه پس از عرضه و در بازار داخلی شکل

می‌گیرد. در مجموع، بررسی این پنج خودرو نشان می‌دهد یک

محصول چینی می‌تواند در دو بازار منطقه‌ای با قیمتهای کاملاً

متفاوت در فضای رقابتی تر محصولات خود را عرضه کنند. عامل

بررسی شده، فاصله قیمت ایران و امارات بین حدود ۸ هزار تا بیش

از ۱۲ هزار دلار قرار دارد، در حالی که این اختلاف برای لاماری ایما

به حدود دو هزار دلار می‌رسد.

ارز کشور: سرمایه عمومی یا فرصت دلایی؟

بانک مرکزی سوم شهریور از اختصاص ۵۰۰ میلیون دلار اسکناس برای عرضه از طریق شبکه بانکی خبر داد و حتی اعلام کرد در صورت افزایش تقاضا، آ‌آمادگی

افزایش حجم عرضه را نیز دارد.

۵۰۰ میلیون دلار در شرایط عادی

هم رقم کوچکی نیست؛ چه رسد

به شرایطی که اقتصاد ایران بیش

از گذشته به حفظ منابع ارزی نیاز

دارد. اگر حتی بخشی از این منابع

نه برای نیاز واقعی، بلکه با انگیزه

بهره‌برداری از اختلاف نرخ خریداری

شود، در عمل بخشی از منابع ارزی

کشور به جای تأمین نیاز اقتصادی،

تبدیل به ماده اولیه بازار واسطه‌گری

خواهد شد.

قرار بوده عرضه ارز از طریق شبکه

رسمی، مردم را از بازار غیررسمی

بی‌نیاز کند؛ اما زمانی که خریدار

رسمی می‌تواند ارز را تحویل بگیرد

و دوقدم آن طرف‌تر یا سود به دلال

بفرشود، باید پرسید این سیاست

دقیقاً کدام مشکل را حل کرده

است؟ در چنین چرخه‌ای، بانک مرکزی اسکناس عرضه می‌کند، متقاضی سهمیه ارز را می‌گیرد، ارز با نرخ بالاتر به دلال فروخته می‌شود و دلال همان دلار را دوباره به متقاضی دیگری می‌فروشد. آنچه باقی می‌ماند، خروج ارز از مسیر رسمی و تقسیم سود ناشی از اختلاف نرخ میان چند واسطه است.

در روزهای کمبود ارز، هر دلار اهمیت دارد

با توجه به محاصره اقتصادی، کاهش صادرات و درآمدهای نفتی، یکی از اصلی‌ترین مجاری ورود ارز به کشور تحت فشار قرار گرفته و دسترسی ایران به منابع ارز خارجی محدودتر شده است؛ در چنین وضعیتی، اولویت سیاست‌گذار باید حفاظت حداکثری از منابع ارزی و هدایت آنها برای تأمین نیازهای ضروری اقتصاد نظیر دارو، کالاهای اساسی، مواد اولیه، تجهیزات، ماشین‌آلات و مواد اولیه تولیدکننده کند. بانک مرکزی پاسخ دهد که واقعاً چه توجیهی وجود دارد که اسکناس با قیمتی پایین‌تر از بازار در اختیار افرادی قرار گیرد که یا از چرخه اقتصاد خارج می‌کنند و یا امکان فروش فوری آن برای کسب سود واسطه‌گری دارند؟ بحث بر سر محروم کردن مردم از ارز موردنیازشان نیست. بحث بر سر طراحی سیاستی است که میان نیاز واقعی ارزی و تقاضای ناشی از اختلاف قیمت تفاوت قائل شود.

تا زمانی که مثل امروز دلار ۲۱۲ هزار تومانی در یک سمت بازار و خریدار ۳۱۶ هزار تومانی در سمت دیگر وجود دارد، سیاست‌گذار عمل‌آیک انگیزه مالی و تحریک تقاضا، برای دریافت ارز ایجاد کرده است. وجود همین اختلاف کافی است تا بخشی از متقاضیان، ارز را نه به دلیل نیاز مصرفی، بلکه به دلیل سود موجود در فاصله نرخ مطلوبه کنند.

در گزارش‌ها و بررسی‌های مربوط به سیاست ارزی کشور نیز بارها نسبت به آثار نظام چندنرخ‌ی، ایجاد تقاضای کاذب و شکل‌گیری رانت ناشی از فاصله نرخ‌ها هشدار داده شده است. با این حال، سازوکاری که چنین فاصله‌ای را ایجاد می‌کند همچنان ادامه دارد.

بانک مرکزی در شرایطی که خود به محدودیت منابع و ضرورت مدیریت بازار را تأکید دارد، باید توضیح دهد چه سازوکاری برای این نحوه عرضه ارز و سپس جلوگیری از فروش مجدد ارز سهمیه‌ای در بازار غیررسمی در نظر گرفته است؟ آیا برای بانک مرکزی شفاف است که چه میزان از ارزی که تحت این عنوان عرضه می‌شود واقعاً صرف نیاز نهایی مردم می‌شود؟ اگر پاسخ روشنی برای این پرسش وجود ندارد، ادامه این شیوه تخصیص نیازمند تجدیدنظر فوری است. ذخایر ارزی کشور نباید به منبع تأمین سود بدون ریسک برای سوداگرانی تبدیل شود که فاصله میان نرخ رسمی و بازار را معامله می‌کنند.

در روزهایی که درآمد ارزی کشور تحت فشار است، حتی اختلاف چند هزار تومانی نیز دیگر یک موضوع حاشیه‌ای در بازار فردوسی نیست؛ مسئله بر سر نحوه مصرف منابعی است که جایگزین کردن آنها برای اقتصاد ایران هر روز دشوارتر و پرهزینه‌تر می‌شود.

دلال نیز همان ارز را با نرخ بالاتر به بازار واسطه‌گری وارد می‌کند و حدود دو میلیون تومان هم از این محل سود می‌کند، چرخه‌ای باطل که صرفاً به افزایش روزانه بهای ارز منجر شده است و در یک معامله هزار دلاری، فاصله میان نرخ رسمی و نرخ نهایی بازار در یک روز، به حدود شش میلیون تومان می‌رسد

مدیریت انتظارات در اقتصاد جنگی؛ تفاوت رویکرد ایران و آمریکا

میرهادی رهگشای

جنگ ایران و آمریکا علاوه بر میدان نظامی، در بازار ارز، انرژی و انتظارات مردم نیز جریان دارد. دولت آمریکا در حالی که با افزایش قیمت بنزین، کاهش ذخایر مهمات و دشواری بازگشایی هرمز مواجه است، در پیام عمومی بر کنترل شرایط تأکید می‌کند و برای کاهش قیمت سوخت و جلوگیری از تشدید انتظارات توری فعالانه وارد عمل شده است. در ایران اما برخی مقامات با وجود تأمین پایدار کالاهای اساسی و سوخت، از کمبود ارز، بنزین و منابع مالی سخن می‌گویند و پیش از اتخاذ تصمیم، احتمال افزایش قیمت‌ها را به جامعه مخابره می‌کنند؛ رویکردی که خود به عاملی برای تشدید انتظارات توری و تشویش افکار عمومی تبدیل می‌شود. مدیریت اقتصاد در شرایط جنگ فقط به تأمین کالا، ارز و انرژی محدود نیست؛ مدیریت انتظار مردم و بازار درباره آینده این متغیرها نیز بخشی از مدیریت بحران است. مقایسه رفتار دولت‌های ایران و آمریکا در ماه‌های اخیر تفاوت قابل توجهی را در این زمینه نشان می‌دهد.

آمریکا: نمایش کنترل در کنار مدیریت مشکلات

یکی از روشن‌ترین نمونه‌ها وضعیت تنگه هرمز است. وزیر انرژی آمریکا اعلام کرده دوشنبه ۱۷ میلیون بشکه نفت از هرمز عبور کرده و جریان نفت تقریباً به شرایط عادی نزدیک شده است. این در حالی است که داده‌های کلپر در هفته‌های گذشته بارها بارقام دولت آمریکا فاصله جدی داشته است؛ در آگوست واشگتن عبور نزدیک ۹ میلیون بشکه در روز را اعلام می‌کرد، اما کلپر در برخی هفته‌ها فقط ۲.۸ تا ۱.۷ میلیون بشکه را مشاهده می‌کرد. رویترز نیز تأکید کرده هنوز توضیح قطعی برای این اختلاف وجود ندارد. صرف‌نظر از صحت نهایی ارقام آمریکا، جهت پیام روشن است: بازار باید تصور کند عرضه تحت کنترل است. از طرف دیگر افزایش متوسط قیمت بنزین آمریکا به بیش از ۴ دلار در هر گالن، حدود یک دلار بیشتر از سال قبل، رئیس‌جمهور را به برگزاری جلسه با پالانشکاران و فروشندهگان سوخت برای کاهش قیمت وا داشته است. هم‌زمان دولت به دنبال افزایش عرضه از مسیرهایی مانند ونزuela و تالاست و ترامپ همچنان برای پایین نگه داشتن نرخ بهره بر فدرال رزرو فشار می‌آورد.

در حوزه نظامی نیز کمبود پاترئوت، تاد و دیگر مهمات پیشرفته مسئله‌ای جدی است و پاساژهای بخشی از ذخایر چند سال طول خواهد کشید؛ اما این محدودیت عمدتاً در گزارش‌های تخصصی پناگون و اندیشکده‌ها مطرح می‌شود و پیام عمومی دولت همچنان بر موقعیت عملیات و توان ادامه فشار متمرکز است.

ایران: پیام‌های متناقض درباره یک واقعیت واحد

در ایران الگوی الگویی معکوسی دیده می‌شود. معاون اجرایی رئیس‌جمهور اخیراً گفته تولید بنزین کیفیت نمی‌کند، امکان واردات به دلیل محاصره وجود ندارد و ادامه وضعیت فعلی غیرممکن است و تغییر قیمت حامل‌های انرژی ضرورت دارد. این اظهارات طبیعتاً انتظار افزایش قیمت و حتی گرانی از کمبود را تقویت می‌کند. اما تقریباً هم‌زمان مدیرعامل شرکت ملی پخش اعلام کرده تولید، انتقال و توزیع با حداکثر ظرفیت ادامه دارد. در سه روز نخست شهریور روزانه ۱۴۵ میلیون لیتر در یک روز و ۱۵۰ میلیون لیتر بنزین توزیع شده و «هیچ گونه مشکلی در تأمین سوخت کشور وجود ندارد». در کالاهای اساسی نیز وزارت جهاد کشاورزی اعلام کرده ذخایر راهبردی در وضعیت مطلوب است، واردات بدون وقفه ادامه دارد و بازار از نظر تأمین کالاهای اساسی با کمبود مواجه نیست. وزیر جهاد نیز تأکید کرده ذخایر افزایش یافته و دولت با وجود جنگ توانسته امنیت غذایی را حفظ کند. با این حال در سطح سیاسی، رئیس‌جمهور از افت صادرات، کمبود ارز، بنزین و انرژی و محدودیت منابع برای افزایش کالاهای سخن گفته است. این مشکلات ممکن است واقعی باشند، اما کنار هم قرار دادن آن‌ها بدون ارائه هم‌زمان ظرفیت‌های موجود، برنامه جبران واقع زمانی، تصویری بسیار متفاوت از واقعیت تأمین کشور به جامعه منتقل می‌کند.

اطلاع‌رسانی اقتصادی بخشی از سیاست تثبیت است

صدافت با مردم به معنای پنهان کردن کسری بنزین، محدودیت درآمد ارزی یا کسری بودجه نیست؛ اما تفاوت زیادی وجود دارد میان اعلام اینکه «به تأمین جاری مشکلی وجود ندارد ولی برای ماه‌های آینده باید مصرف و منابع مدیریت شود» و اینکه پیش از مشخص شدن سیاست نهایی، مرتباً از غیرممکن بودن ادامه وضع، کمبود بنزین و از ضرورت افزایش قیمت سخن گفته شود. در مورد بارانه و کالایرگ نیز کمبود منابع بودجه‌ای باید با همین دقت توضیح داده شود. پرداخت رالی را می‌توان از مسیرهای مختلف تأمین مالی کرد؛ به‌ویژه اینکه در اقتصاد جنگی ابتدا باید از همه ظرفیت‌های موجود بهره‌برد و بعد به سراغ اظهار مجزرد رسانه‌ها رفت؛ بنابراین مسئله اصلی باید انتخاب روش تأمین مالی و هزینه آن باشد، نه الهقای ساده این تصور که دولت «پولی برای پرداخت ندارد». در اقتصاد جنگی پیام مقام دولتی خود یک متغیر اقتصادی است. اعلام مداوم کمبود می‌تواند تقاضای احتیاطی برای ارز، سوخت و کالا ایجاد کند و انتظار افزایش قیمت را به رفتار امروز مردم منتقل کند. مدیریت انتظارات به معنای ارائه آمار غیر واقعی نیست، بلکه مستلزم آن است که هر محدودیت همراه با ظرفیت موجود، برنامه مقابله و تضمین استمرار تأمین بیان شود.

تحقیق و تفحص از حوزه غذا و دارو

نایب رئیس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس با اشاره به ورود این کمیسیون به موضوع گرانی و گران‌سازی دارو توزیع نامتوازن ارز، گفت: تحقیق و تفحص از حوزه غذا و دارو همچنان ادامه دارد و کمیسیون موضوعات مربوط به این حوزه را با جدیت دنبال می‌کند؛ از شرکت‌ها، دستگاه‌ها و اشخاصی که نسبت به وضعیت موجود در حوزه دارو تجهیزات پزشکی اعتراضی یا استناد و مدارکی دارند، می‌خواهیم مستندات خود را در اختیار کمیسیون قرار دهند تا موارد مطرح شده در جریان تحقیق و تفحص مورد بررسی و رسیدگی قرار گیرد. فاطمه محمدبیگی، نایب رئیس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی، با اشاره به پیگیری‌های این کمیسیون در حوزه دارو تجهیزات پزشکی، گفت: در جلساتی که طی دو، سه هفته گذشته برگزار کردیم، به موضوع گرانی دارو، گران‌سازی دارو و همچنین توزیع نامتوازن ارز در حوزه دارو درود کردیم و موضوع عدم تخصیص ارز مورد نیاز برخی گروه‌های دارویی را نیز مورد بررسی قرار دادیم. وی افزود: در همین راستا جلساتی نیز با شرکت‌های تجهیزات پزشکی، بیمه‌ها و سازمان‌های بیمه‌گر برگزار کردیم و همچنین موضوع را در سازمان غذا و دارو مورد پیگیری قرار دادیم. محمدبیگی ادامه داد: به سازمان غذا و دارو مهلت دو هفته‌ای داده‌ام تا گزارش عملکرد خود را در درباره تخصیص ارز برای واردات تجهیزات پزشکی و همچنین تأمین داروهای مورد نیاز و کمیاب به کمیسیون بهداشت ارائه کند تا براساس این گزارش، وضعیت موجود را دقیق‌تر بررسی کنیم.



دارایی‌های بلوکه‌شده بانک‌ها؛

غول خفته در ترازنامه که بیدار نمی‌شود

انباشت املاک و پروژه‌های نیمه‌تمام در بانک‌های ناتراز، نه تنها مشکل نقدینگی را حل نمی‌کند، بلکه با ارزش گذاری‌های غیرواقعی، زیان پنهان را به آینده منتقل کرده و اصلاح ترازنامه را معوق می‌کند.

ناترازی بانک‌ها تنها فاصله میان منابع و مصارف یا رشد مطالبات غیرجاری نیست؛ بخش مهمی از این مشکل به انباشت دارایی‌هایی بازمی‌گردد که در ظاهر ارزشمند، اما در عمل فاقد نقدشوندگی کافی هستند. پروژه‌های نیمه‌تمام، املاک تجاری، شرکت‌های زیرمجموعه، مطالبات مشکوک‌الوصول و دارایی‌هایی که سال‌ها در ترازنامه باقی مانده‌اند، نمونه‌هایی از این وضعیت به شمار می‌روند. در چنین شرایطی، بانک ممکن است یک ملک یا پروژه را با ارزش دفتری بالا ثبت کند، اما نتواند آن را به‌موقع بفروشد یا به وجه نقد تبدیل کند؛ بنابراین، ارزش اسمی دارایی لزوماً به معنای توانایی آن برای جبران کسری نقدینگی یا تقویت سرمایه بانک نیست. اگر ارزش روز دارایی کمتر از رقم ثبت‌شده باشد، فاصله میان این دو رقم به زیان انباشته و کاهش سرمایه بانک منجر خواهد شد. مسئله اصلی درباره این دارایی‌ها فقط قیمت روز نیست؛ بلکه باید مشخص شود مالکیت آن‌ها قطعی است یا نه امکان فروش فوری وجود دارد یا نه چه میزان بدهی و تعهد حقوقی همان‌ها مرتبط است و سهم واقعی بانک از ارزش نهایی دارایی چقدر خواهد بود.

ارزش‌گذاری و انتقال: حلقه حساس اصلاح ترازنامه

برای خروج دارایی‌های غیرمولد از ترازنامه، نخست باید ارزش‌گذاری مستقل، به‌روز و قابل راستی‌آزمایی انجام شود. ارزش‌گذاری صرفاً بر پایه قیمت‌های پیشنهادی یا گزارش‌های داخلی بانک نمی‌تواند مبنای تصمیم‌گیری قرار گیرد. در مورد املاک، وضعیت سند، کاربری، محدودیت‌های ثبتی، بدهی‌های مالیاتی، بدهی به پیمانکاران و میزان پیشرفت پروژه باید هم‌زمان بررسی شود. در پروژه‌های نیمه‌تمام نیز ارزش فیزیکی دارایی با ارزش پس از تکمیل تفاوت دارد. هزینه تکمیل، زمان لازم برای بهره‌برداری، شرایط بازار و احتمال تغییر کاربری، همگی بر ارزش واقعی اثر می‌گذارند. از این‌رو، انتقال دارایی به شرکت مدیریت دارایی، صندوق، نهاد واسط یا شرکت‌های تابعه بانک، تنها زمانی به اصلاح ترازنامه کمک می‌کند که انتقال با قیمت منصفانه و در برابر مابه‌ای واقعی انجام شود. اگر بانک دارایی را با قیمت غیر واقعی به نهاد وابسته منتقل کند، ممکن است در ظاهر حجم دارایی‌های منجمد کاهش یابد، اما زیان اقتصادی آن همچنان در ساختار باقی بماند. همچنین تهاتر دارایی با بدهی با واگذاری آن به اشخاص مرتبط، بدون رقابت و شفافیت، می‌تواند ریسک ایجاد زیان جدید و تعارض منافع را افزایش دهد. امیررضا صلح یک کارشناس بانکی با اشاره به اینکه اصلاح ترازنامه بانک‌ها ناتراز از مرحله شناسایی و ارزش‌گذاری دارایی‌ها آغاز می‌شود، گفت: در بسیاری از موارد، مسئله اصلی کمبود دارایی نیست؛ بلکه کیفیت، قابلیت نقدشوندگی و ارزش واقعی دارایی‌هایی است که در صورت‌های مالی بانک ثبت شده‌اند. ممکن است یک بانک حجم قابل توجهی ملک، پروژه نیمه‌تمام یا سهام شرکت‌های غیربانکی داشته باشد، اما این دارایی‌ها در کوتاه‌مدت امکان تبدیل شدن به نقدینگی را نداشته باشند. وی افزود: ارزش دفتری یک دارایی، الزاماً با ارزش اقتصادی و قیمت قابل تحقق آن برابر نیست. ارزش دفتری ممکن است بر مبنای قیمت خرید، هزینه‌های انجام‌شده یا ارزیابی‌های قدیمی ثبت شده باشد؛ در حالی که برای تصمیم‌گیری درباره اصلاح ترازنامه، باید مشخص شود دارایی امروز با چه قیمتی و در چه مدتی قابل فروش است.

این کارشناس بانکی ادامه داد: در ارزش‌گذاری املاک تجاری، تنها مساحت و موقعیت ملک اهمیت ندارد. وضعیت سند، کاربری، بدهی‌های مالیاتی، عوارض، حقوق اشخاص ثالث، محدودیت‌های ثبتی، وجود مستأجر یا بهره‌بردار و همچنین هزینه‌های نگهداری باید در محاسبات لحاظ شود. اگر این عوامل نادیده گرفته شود، ارزش اعلام‌شده ممکن است با مبلفی که واقعاً از فروش دارایی به دست می‌آید تفاوت زیادی داشته باشد. وی گفت: در مورد پروژه‌های نیمه‌تمام نیز باید بین ارزش فعلی و ارزش احتمالی پس از تکمیل تفاوت قائل شد. گاهی بانک ارزش پروژه را بر مبنای درآمد آینده یا قیمت نهایی پس از بهره‌برداری محاسبه می‌کند، اما هزینه تکمیل، زمان اجرای پروژه، ریسک افزایش قیمت مصالح و شرایط بازار را به‌طور کامل در نظر نمی‌گیرد. چنین رویکردی می‌تواند موجب ثبت دارایی با ارزش بیش از واقع شود. وی افزود: انتقال دارایی به شرکت‌های مدیریت دارایی، صندوق‌ها یا شرکت‌های تابعه بانک، به‌خودی‌خود به معنای اصلاح ترازنامه نیست. معیار اصلی این است که آیا در برابر خروج دارایی، به‌ج نقد، دارایی باکیفیت‌تر یا مطالبات قابل وصول وارد ترازنامه شده است یا نه. اگر تنها مالکیت دارایی از یک شرکت وابسته به شرکت وابسته دیگری منتقل شود، بدون آنکه نقدینگی ایجاد شود، مشکل اقتصادی بانک حل نخواهد شد. این کارشناس بانکی تأکید کرد: واگذاری به اشخاص مرتبط یا تهاتر دارایی با بدهی باید با شفافیت کامل، ارزیابی مستقل و سازوکار رقابتی انجام شود. در غیر این صورت، احتمال انتقال دارایی با قیمت غیرواقعی، ایجاد تعارض منافع و پنهان ماندن زیان وجود دارد. وی ادامه داد: بانک مرکزی و نهادهای نظارتی باید علاوه بر رقم واگذاری، کیفیت معامله را نیز بررسی کنند؛ یعنی مشخص شود دارایی به چه قیمتی، به چه شخصی، با چه روش مزایده‌ای و در برابر چه مابه‌ازایی منتقل شده است. همچنین باید اثر معامله برنسبت کفایت سرمایه، نقدینگی، اضافه‌برداشت و زیان انباشته بانک اندازه‌گیری شود. صلح افزود: اصلاح واقعی زمانی اتفاق می‌افتد که ارزش‌گذاری محافظه‌گانه، ذخیره‌گیری کافی و برنامه‌ریزی مندی‌شده برای فروش یا تعیین تکلیف دارایی وجود داشته باشد. در غیر این صورت، انتقال دارایی ممکن است فقط یک عملیات حسابداری باشد و نه اقدامی برای رفع ناترازی. شفافیت در این فرآیند، شرط اعتمادسپرده‌گذاران و جلوگیری از انتقال زیان بانک به منابع عمومی است. بخش قابل توجهی از دارایی‌های بانکی به دلیل وجود برنده‌های حقوقی، دعوای مالکیت، اختلاف با پیمانکاران یا انبیهام در وثایق، قابلیت نقدشوندگی فوری ندارند. طولانی شدن رسیدگی قضایی نیز باعث می‌شود ارزش اقتصادی دارایی در گذر زمان کاهش یابد و هزینه نگهداری، مالیات، استهلاک و بدهی‌های مرتبط افزایش پیدا کند. این حالت، صرف وجود برنده حقوقی به معنای بی‌ارزش بودن دارایی نیست. باید احتمال موفقیت بانک در دعوا، زمان تقریبی تعیین تکلیف، هزینه دادرسی و اجرای حکم و ارزش قابل وصول پس از کسر تعهدات محاسبه شود. ثبت چنین دارایی‌هایی با ارزش کامل، بدون در نظر گرفتن ذخیره کاهش ارزش یا احتمال عدم وصول، می‌تواند تصویر نادرستی از وضعیت بانک ارائه کند. راهکار مؤثر، تشکیل برنده جامع برای هر دارایی، تعیین متولی مشخص، انتشار اطلاعات قابل اتکا و تفکیک دارایی‌های قابل فروش از دارایی‌های نیازمند تعیین تکلیف قضایی است. در مواردی که بازگشت دارایی با وصول طلب قطعی نیست، بانک باید ذخیره کافی شناسایی کند تا زیان پنهان به دوره‌های بعد منتقل نشود.

گزارش

افت شتاب تورم ماهانه هنوز به کاهش پایدار تورم کالاهای خدمات و انتظارات تورمی منجر نشده است.

تازه‌ترین آمارهای تورم در مردادماه ۱۴۰۵ تصویری دوگانه از وضعیت قیمت‌ها ارائه می‌دهد؛ از یک سو، سرعت رشد ماهانه قیمت‌ها نسبت به ماه‌های پرتنش ابتدای سال کاهش یافته و از سوی دیگر، تورم نقطه‌به‌نقطه و تورم سالانه همچنان در سطوح بسیار بالا قرار دارند. این وضعیت نشان می‌دهد اقتصاد ایران وارد مرحله‌ای شده که در آن کاهش شتاب تورم با کاهش سطح عمومی قیمت‌ها یکسان نیست و بخش‌هایی از تورم، به‌ویژه در کالاهای غیرخوراکی، خدمات و مسکن، چسبندگی بیشتری از خود نشان می‌دهند. بر اساس گزارش مرکز آمار ایران، تورم ماهانه خانوارهای کشور در مردادماه به ۳٫۴ درصد رسید. این رقم در تیرماه ۳۱ درصد بود و اگرچه نسبت به ماه‌های ابتدایی سال فاصله محسوسی دارد، اما همچنان به معنای افزایش قابل توجه سطح قیمت‌ها در یک ماه است. در همین حال، تورم نقطه‌به‌نقطه در مردادماه به ۸۹ درصد و تورم سالانه به ۶۹٫۹ درصد رسید.

در واقع، آنچه در ماه‌های اخیر تغییر کرده، بیش از آنکه «سطح» تورم» باشد، سرعت افزایش قیمت‌ها است. به بیان دیگر، اگر تورم ماهانه از ارقام بسیار بالای ابتدای سال فاصله گرفته باشد، قیمت‌ها همچنان از سطح بالای ایجادشده در ماه‌های گذشته حرکت می‌کنند و همین موضوع باعث می‌شود کاهش تورم ماهانه با تأخیر خود را در تورم سالانه و احساس عمومی خانوارها نشان دهد.

تورم کالاهای بخش مهمی از فشار هنوز باقی است

داده‌های بانک مرکزی تصویر روشن‌تری از این چسبندگی ارائه می‌کند. بر اساس گزارش این بانک، تورم ماهانه در مردادماه



هسته سخت تورم در کانال ۳۰ تا ۴۰ درصد

۳۰٫۷ درصد، تورم نقطه به نقطه به ۸۴٫۴ درصد و تورم متوسط سالانه ۶۵٫۱ درصد بوده است. اما تکنیک کالا و خدمات نشان می‌دهد فشار تورمی در این دو بخش یکسان نیست.

مردادماه نسبت به ماه قبل ۳ درصد افزایش یافته، اما در مقایسه با مرداد سال گذشته ۱۲٫۵ درصد رشد کرده است. تورم متوسط ۱۲ ماهه کالاهای نیز به ۹۲٫۲ درصد رسیده است. در مقابل، تورم نقطه‌ای خدمات ۴۹٫۳ درصد و تورم سالانه این بخش ۴۰٫۲ درصد گزارش شده است. این ارقام یک نکته مهم را نشان می‌دهد، حتی اگر بخشی از فشار تورمی ناشی از شوک‌های مقطعی در خوراکی‌ها و کالاهای پرتوسان کاهش پیدا کند، تورم در سایر اجزای سبد مصرفی همچنان می‌تواند برای مدت طولانی بالا باقی بماند. به همین دلیل، برای ارزیابی مسیر آینده تورم نمی‌توان تنها به تورم ماهانه یا حتی تورم عمومی نگاه کرد. رفتار قیمت خدمات، اجاره، کالاهای بادوام و سایر اقلامی که با تأخیر نسبت به شوک‌های ارزی و هزینه‌ای تعدیل می‌شوند، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

اجاره: نمونه‌ای از چسبندگی تورم خدمات

یکی از روشن ترین نمونه‌های تورم چسبنده، بازار اجاره است. طبق گزارش بانک مرکزی، رشد ماهانه اجاره‌بها در تیرماه ۵٫۷ درصد و در مردادماه ۶ درصد بوده است؛ بنابراین در شرایطی که انتظار می‌رود با کاهش شتاب تورم عمومی، قیمت‌ها نیز به تدریج آرام شوند، هزینه مسکن همچنان با سرعت بالایی افزایش پیدا کرده است.

این مسئله از آن جهت اهمیت دارد که اجاره‌بها معمولاً مانند قیمت برخی کالاهای مصرفی به سرعت با کاهش تقاضا یا افت یکباره نرخ ارز تعدیل نمی‌شود. قراردادهای اجاره، هزینه‌های ساخت و نگهداری، قیمت مسکن و انتظارات مالکان، همگی می‌توانند باعث شوند کاهش تورم باوقفه به این بخش منتقل شود. در چنین شرایطی، حتی اگر تورم خوراکی‌ها برای چند ماه آرام‌تر

افزایش نرخ دارو در سامانه‌های بیمه‌گر پیش از ابلاغ به داروخانه‌ها



یک ماه هزینه‌های گراف از سوی بیمار می‌شود، پیشنهاد داد تا قیمت اقلام دارویی ابتدا در سامانه‌های سازمان‌های بیمه‌گر اصلاح شود.

حاجی دلگیکانی به چالش تضاد میان پوششش بیمه‌ای واقعیت‌های بازار دارو پرداخت و گفت: برخی از اقلام دارویی در کشور دارای هر دو نسخه داخلی و خارجی هستند، اما متأسفانه سازمان‌های بیمه‌گر صرفاً نسخه داخلی را تحت پوشش قرار داده‌اند. این نماینده مردم در مجلس دوازدهم در ادامه با اشاره به تأکید پزشک معالج برای مصرف داروهای خارجی به دلیل عوارض دارویی یا عدم پاسخ درمانی خاطرنشان کرد: متأسفانه برخی از این داروها (داروی پاکلی تاکسل، ریمیکید و ستوکسی. ماب) تحت پوشش بیمه قرار ندارند و هزینه بسیار قابل توجهی خصوصاً برای بیماران صعب‌العلاج ایجاد می‌کند. حاجی دلگیکانی در ادامه پیشنهاد کرد تا سازمان‌های بیمه‌گر براساس مستندات لازم و گواهی پزشک معالج همکاری لازم را برای پوشش هزینه‌های نوع خارجی داروها داشته باشند. این نماینده مردم در مجلس دوازدهم با توجه به افزایش قیمت بسیاری از اقلام دارویی، نسبت به عدم به‌روزرسانی به موقع میزان ارز تخصیصی برای هر دارو تأخیر در اعمال این تغییرات انتقاد کرد و گفت: اغلب بیماران مجبورند داروی خود را با پرداخت سهم ارز دریافت کنند این در حالی است که بیشتر بیماران نیازمند دریافت سهم ارز بیماران خاص و صعب‌العلاج هستند و هزینه‌های بالایی جهت درمان متحمل می‌شوند.

وی در پایان تأکید کرد: تسریع در بررسی تمامی موارد مطرح شده و حل مشکلات بیماران ضروری حیاتی است.

نااطمینانی‌های غیراقتصادی، ریسک‌های سیاسی و خارجی، نوسانات بازار ارز و انبیهام نسبت به هزینه‌های آینده تولید و واردات، می‌توانند باعث شوند خانوارها و فعالان اقتصادی همچنان افزایش قیمت را محتمل بدانند. در این وضعیت، مصرف‌کننده ممکن است خرید برخی کالاهای رایج‌پوینداز و تولیدکننده یا فروشنده نیز برای قیمت گذاری، هزینه جایگزینی آینده را مبنای قرار دهد. به این ترتیب، انتظارات تورمی می‌تواند خود به عاملی برای ماندگاری تورم تبدیل شود؛ حتی زمانی که برخی شاخص‌های ماهانه نشانه‌هایی از آرام‌تر شدن بازار نشان می‌دهند.

فاصله میان «آرامش بازار» و «احساس گرانی خانوار»

داده‌های مرکز آمار درباره مناطق روستایی نیز نشان می‌دهد فشار تورمی در سراسر کشور یکسان نیست. تورم نقطه‌به‌نقطه مناطق روستایی در مردادماه به ۱۰٫۸۴ درصد رسیده و در ۹ استان کشور این نرخ بالاتر از ۱۰ درصد ثبت شده است.

از سوی دیگر، فاصله تورمی میان دهک‌های هزینه‌ای در مردادماه به ۱۰٫۷ واحد درصد رسیده است؛ در حالی که این فاصله در تیرماه ۹٫۶ واحد درصد بود. تورم سالانه برای سوم ۷۸٫۳ درصد و برای دهک دهم ۶۷٫۶ درصد ثبت شده است.

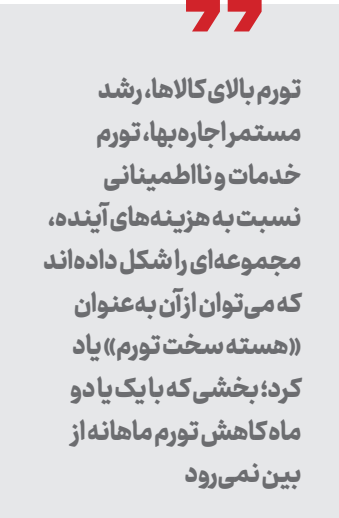
این تفاوت‌ها نشان می‌دهد «تورم متوسط» الزاماً تجربه یکسانی برای همه خانوارها ایجاد نمی‌کند. خانواری که سهم بیشتری از درآمد خود را صرف خوراک، مسکن و خدمات ضروری می‌کند، ممکن است تورم بسیار بالاتری از نرخ کل احساس کند.

به همین دلیل، حتی در صورت کاهش تورم ماهانه، انتظارات عمومی و احساس گرانی می‌تواند با وقفه بیشتری اصلاح شود.

هسته سخت تورم کجاست؟

بررسی همزمان داده‌های مرکز آمار و بانک مرکزی نشان می‌دهد مسئله اصلی در مرحله فعلی، صرفاً شوک‌های مقطعی قیمت نیست؛ بلکه بخشی از افزایش قیمت‌ها در ساختار هزینه‌ای اقتصاد تثبیت شده است. تورم بالای کالاهای رشد مستمر اجاره‌بها، تورم خدمات و نااطمینانی نسبت به هزینه‌های آینده، مجموعه‌ای را شکل داده‌اند که می‌توان از آن به‌عنوان «هسته سخت تورم» یاد کرد؛ بخشی که با یک یا دو ماه کاهش تورم ماهانه از بین نمی‌رود. از این منظر، اگرچه کاهش شتاب تورم ماهانه در تیر و مرداد می‌تواند نخستین نشانه آرام‌تر شدن بازارها باشد، اما برای عبور از تورم بالا، صرفاً پایین آمدن تورم ماهانه کافی نیست. آنچه اهمیت بیشتری دارد، تداوم این روند، کاهش نوسانات ارزی، ثبات هزینه‌های تولید و مهم‌تر از همه، اصلاح انتظارات تورمی است.

در غیر این صورت ممکن است اقتصاد برای مدتی با تورم ماهانه پایین‌تر مواجه شود، اما تورم سالانه و سطح عمومی قیمت‌ها همچنان در سطوح بالا باقی بماند و خانوارها کاهش محسوسی در هزینه‌های زندگی احساس نکنند. بنابراین آزمون اصلی سیاست‌گذار در ماه‌های آینده نه صرفاً کاهش یک یا دو واحد درصدی تورم ماهانه، بلکه شکستن چرخه‌ای است که در آن افزایش قیمت‌ها، انتظارات تورمی را بالا می‌برد و انتظارات تورمی نیز به نوبه خود، قیمت‌گذاری را بنگاه‌ها و رفتار مصرف‌کنندگان را تحت تأثیر قرار می‌دهد.



جهش ۲برابری قیمت لوازم خانگی

تورم لوازم خانگی در مردادماه از تورم عمومی کشور فاصله گرفت: قیمت این کالاهای در یک سال ۱۱۷٫۸ درصد افزایش یافت و تورم ماهانه آن نیز به ۴۰٫۷ درصد رسید.

تازه‌ترین آمار تورم مردادماه تصویری از تداوم فشار قیمتی بر خانوارها ارائه می‌دهد؛ در شرایطی که تورم ماهانه کل کشور در مردادماه ۳۰٫۴ درصد، تورم نقطه‌به‌نقطه به ۸۹ درصد و تورم سالانه ۶۹٫۹ درصد ثبت‌شده، گروه لوازم خانگی با ثبت تورم‌های ۴۰٫۷ درصدی، ۱۱۷٫۸ درصدی و ۷۹٫۳ درصدی به ترتیب در سه شاخص ماهانه، نقطه‌به‌نقطه و سالانه، افزایش قیمت شدیدتری را تجربه کرده است. مقایسه این ارقام نشان می‌دهد لوازم خانگی در هر سه شاخص تورمی، بالاتر از میانگین کل کشور قرار گرفته است. تورم ماهانه این گروه ۱۰۳ واحد درصد بیشتر از تورم عمومی بوده و در شاخص نقطه‌به‌نقطه نیز فاصله به ۲۸٫۸ واحد درصد می‌رسد. در تورم سالانه هم لوازم خانگی با نرخ ۷۹٫۳ درصد، ۹۰۴ واحد درصد بالاتر از تورم کل کشور قرار دارد. این شکاف به آن معناست که افزایش قیمت لوازم خانگی نه تنها هم‌پای رشد عمومی قیمت‌ها حرکت نکرده، بلکه با سرعت بیشتری قدرت خرید خانوار را تحت فشار قرار داده است. اهمیت تورم نقطه‌به‌نقطه ۱۱۷٫۸ درصدی لوازم خانگی از آن جهت است که این شاخص، سطح قیمت‌ها را با مرداد سال گذشته مقایسه می‌کند. به بیان ساده، هزینه خرید سبیدی مشابه از لوازم خانگی در مرداد امسال به‌طور متوسط بیش از دو برابر سال گذشته شده است. در چنین شرایطی، خرید کالاهایی مانند یخچال، ماشین لباسشویی، آجاق گاز، تلویزیون و سایر لوازم ضروری خانه از یک خرید مصرفی معمول به تصمیمی سنگین برای خانوار تبدیل می‌شود. از سوی دیگر، تورم ماهانه ۴۰٫۷ درصدی این گروه نشان می‌دهد فشار قیمتی در بازار لوازم خانگی همچنان ادامه دارد و صرفاً ناشی از جهش قیمت در ماه‌های گذشته نیست. وقتی قیمت‌ها در یک ماه نیز نزدیک به ۵ درصد افزایش پیدا می‌کنند، حتی خانوارهایی که خرید خود را به تعویق انداخته‌اند با خطر افزایش دوباره هزینه مواجه می‌شوند. این روند می‌تواند رفتار مصرف‌کننده را به سمت تعویق خرید، تعمیر کالاهای قدیمی، خرید کالای دست‌دوم یا انتخاب مدل‌های ارزان‌تر سوق دهد؛ روندی که نشانه‌هایی از آن در بازار کالاهای دست‌دوم نیز دیده می‌شود. در این میان، تورم سالانه ۷۹٫۳ درصدی لوازم خانگی نیز نشان می‌دهد افزایش قیمت این گروه در یک بازه طولانی‌تر تثبیت شده و فشار آن موقتی نیست. از سوی دیگر، تورم سالانه کل کشور در مردادماه به ۶۹٫۹ درصد رسیده و حتی برای برخی دهک‌های هزینه‌ای، نرخ‌های بالاتری ثبت‌شده است؛ به‌طوری که تورم سالانه دهک دوم به ۷۸٫۳ درصد رسیده است.

بنابراین، ارقام مردادماه را نمی‌توان صرفاً به عنوان رشد قیمت چند قلم کالای بادوام تفسیر کرد. لوازم خانگی از جمله کالاهایی است که خرید آن معمولاً به درآمد و پس‌انداز خانوار وابسته است و جهش قیمت‌ان مستقیماً زمان خرید و الگوی مصرف را تغییر می‌دهد.